

وراثت و ماده‌گرایی

روانشناسان و متخصصان علوم تربیتی غربی اغلب بر تأثیر جبری (۱) عوامل زیستی در رشد و تکامل بشر تأکید دارند و ویژگیهای نهادی انسان را از راه وراثت تبیین می‌کنند. از نقطه نظر این دانشمندان تواناییهای انسان (۲) به اشراف‌سالاری قالبی ویژه تولد بستگی دارد که در عمل به منزله مزیت طبقات صاحب قدرت و کسانی که از امتیازهای مادی فراوان برخوردارند، به حساب می‌آید. در برابر - اگرچه ماده‌گرایی (۳) تاریخی تفاوت‌های فردی بین انسانها را در هنگام تولد نشان می‌دهد. اما در کیفیتهای نهادی هیچ‌گونه تقدیر جبری را در مورد استعدادها (۴) و توانایی‌های بالقوه‌ای که بشر در طول زندگانش آنها را تکامل می‌بخشد، نمی‌یابد. تفاوت‌های فردی، مبتنی بر وجود سازمان جسمانی معین و نیروهای زندگی طبیعی ویژه‌ای است که در انسان بصورت تمایلات و استعداد‌های بالقوه نمایان می‌گردد. هرکسی نمی‌تواند رافائل (۵) باشد. مگر کسی که در او رافائلی وجود داشته باشد. این بدان معنی نیست که هرکسی در او رافائلی وجود دارد. عملی نمی‌تواند رافائل گردد. رشد و تکامل استعداد‌های

را فائلی به شرایط زیستی و تعلیم و تربیت بستگی دارد.

ویژگیهای شریعی و فیزیولوژیکی نهادی و همچنین نوع سیستم عصبی موروئی همه افراد بشر، در هنگام تولد، شباهت فراوان به یکدیگر دارند. تفاوتهای فردی در کار کردهای حیانی، به گونه‌ناچیز و اندک، خود را نشان می‌دهند. انگلس می‌گوید: تفاوت میان بازبرو فیلسوف خیلی کمتر از سگ پاسبان و سگ شکاری است. تفاوت بین بازبرو فیلسوف از تقسیم کار نشأت می‌گیرد.

استعداد فردی تازمانی که کار کرد خود را فعلیت بخشیده است، فقط يك تماثل است. مسأله در این است که در چه زمانی این استعدادها بصورت نیروی عملی فصال در می‌آیند. از دیدگاه پندار گرایان (۶) و معتقدان به ماوراء الطبیعه (۷) این استعدادهای انسانی از لحظه تولد فعال بوده و رهنمون رشد و تکامل فرد می‌باشند. اما ماده‌گرایی علمی، وجود توانایی را پیش از ظهور فعالیتی که بتواند در ابتدا تواناییهای انسان را فعلیت بخشد، مردود می‌شمارد. توانایی تنها در طی پرورش فعالیتی که مستلزم آن است، شکل می‌گیرد و بالندگی می‌یابد.

ما کسی می‌گوید تنها موسیقی است که احساس موسیقی را در انسان بیدار می‌سازد، ولی پندار گرایان، نقش محیط را در رشد و تکامل انسان تا حد بروز تواناییهایی که قبلا وجود داشته، تنزل می‌دهند. لیکن از دیدگاه علمی، توانایی، جدا از فعالیتهای بشری و بدون ارتباط با آنها نمی‌تواند وجود داشته باشد. تماثلاتی که تواناییها را پدید می‌آورند، کاملا نامعین و تغییر پذیرند و در رابطه با رشد و تکامل آتی، برای آنکه قادر باشند ویژگیهای تواناییهای آینده را مشخص نمایند، دارای ظرفیتهای متعددی هستند.

بشر با تماثل به سخن گویی متولد می‌شود اما اگر کودک نه در جامعه انسانی، بلکه در میان حیوانات بسر برد، این تماثل هرگز شکوفایی پیدا

نمی‌کند و تکامل نمی‌یابد. شرایط زیستی، و برتر از آن، تعلیم و تربیت است که تعیین می‌کند کودک چه زبانی را بیاموزد و ناچندان آن را فرا گیرد.

این حقایق بیانگر این واقعیت است که مفهوم «توانایی» دارای خصوصیت تاریخی است. و این امر در مورد مفهوم وابسته به آن یعنی «استعداد» نیز صادق است. فعالیت‌های بشری همیشه تحت شرایط ملموس اجتماعی و تاریخی انجام می‌گیرند. این فعالیت‌ها همراه با توانایی‌های انسان در ارتباط با شرایط ویژه خود شکل می‌یابند. تغییر می‌پذیرند، و ناپدید می‌گردند. در جامعه‌ای که هنوز فلسفه شناخته نشده است، استعداد فلسفی وجود نخواهد داشت.

احساس‌های انسان همانند عقایدش، در ارتباط با فعالیت‌ها و شرایط زیستی - تاریخی ملموس، نگرگونی می‌پذیرند. از نظر گاه ماده‌گرایی علمی خیال واهی کارل لایبل (۸) درباره ماهیت حیوانی بشر که در آتش جهنم ابدی می‌سوزد، و باعث عذاب متخصصان علوم تربیتی معاصر می‌گردد، حقیقتی ندارد.

تنباتوانایی‌ها، استعدادها و احساس‌های انسانی نیستند که خصوصیت تاریخی دارند. تمایلات و گرایش‌های طبیعی بشر نیز چنین خاصیتی دارند. پندار اینکه این تمایلات فقط ناشی از تواریخ زیستی هستند، نادرست است. تفاوت‌های بی‌شمار استعداد‌های فردی در طول تاریخ بشری، بویژه رشد تاریخی کار، همیشه مشروط و محدود به شرایط تکاملی بوده است.

رشد فزاینده و دائمی تقسیم کار: در این پیشرویش، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. تفاوت استعداد‌های طبیعی افراد، بهمان اندازه که معلول تقسیم کار است. علت آن نیز هست.

در انتقاد از نظریه استیرنر (۹) درباره علل تبه‌گنی (۱۰) افراد

انسانی: باید گفت که وی این حقایق را انسجیده است که ظرفیت کودک برای رشد و بالندگی به رشد و تکامل والدینش بستگی دارد. و اینکه تبه‌گنی کامل، از نظر تاریخی، تحت شرایط ویژه‌ای به وجود می‌آید که خود در سیطره تکامل تاریخی دیگری قرار داشته است. حتی تفاوت‌هایی که در ای علت طبیعی هستند مانند تفاوت‌های نژادی می‌توانند و باید همراه با تکامل تاریخی منسوخ گردند. این بر نهاده (۱۱) ماده‌گرایی علمی: همه نظریه‌های به اصطلاح نژادی و نتایج سیاسی منتج از آن را مطرود می‌داند. شرایط زندگی و کار، بر سازمان آناتومی و فیزیولوژیکی و سیستم عصبی فرد اثر می‌گذارد؛ بطوری که این اثرات تا حدی از طریق وراثت منتقل می‌گردد و در نسلها تداوم می‌یابد. بدون چنین نوارثی، انسانی شدن شدن انسان ریخت (۱۲) و یا تحول بیشتر بشر ناممکن بود. پژوهش‌های پاولف (۱۳) نشان داد که اکتساب بازتاب‌های (۱۴) مشروط معین در حیوانات، رشد و تکامل این نوع بازتابها را در نسلهای بعدی حیواناتی که مورد تجربه قرار گرفته بودند، تسهیل می‌کند. در طی چندین نسل، از حیواناتی که بطور مداوم تحت آزمایش بودند، بازتاب مشروط تدریجاً بصورت بازتاب غیر مشروط (۱۵) درآمد. این دستاورد، کلیدی برای شناسایی و فهم رشد تاریخی و تفاوت‌های ارثی، بدست می‌دهد و در عین حال، امکان از بین بردن این تفاوت‌ها را نیز بیان می‌دارد.

چه عواملی در شرایط زیستی و کار، بر رشد و تکامل تعابلات طبیعی انسانها تأثیر می‌گذارند؟ وسایل مادی تولید و نیروهای تولیدی، از عوامل اساسی و بنیادی هستند که بالندگی استعداد های فردی را تعیین می‌کنند. یکی از دانشمندان، عواملی را که بر رشد و تکامل استعداد تصویری را فائل موثر بود، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و می‌گوید: را فائل مانند هر هنرمند دیگری، از پیشرفت‌های تکنیکی هنری پیش از زمان خود، از سازمان جامعه و تقسیم کار منطقه‌ای، و بالاخره از تقسیم کار در همه

کشورهایی که بامحیط زندگی او در تماس بوده‌اند. تأثیر پذیرفته‌است. و اینکه فردی مانند رافائل می‌تواند استعدادش را تکامل دهد. به‌خواهندگی از کار وی بستگی دارد که این خواستاری خود به‌تقسیم کار و شرایط فرهنگی افرادی که در آن زندگی می‌کنند. ارتباط می‌یابد.

هنگامی که از شرایط اجتماعی گسترش تمایلات فردی سخن می‌گوئیم. باید بربك جنبه از این‌پویش. یعنی نقش جمعی آن. تأکیدکنیم. این‌بث تفاوت بنیادی بین فلسفه‌ماده‌گرایانه علمی و نظریه‌های سوداگرانه است. چراکه این نظریه‌ها نمایانگر فردگرایی مشخص هستند که به‌مترله بازناب رقابت اقتصادی عمل می‌کنند. دانشمندان پندارگرا. نظریه‌های خود را از فرد می‌آغازند و آن را گسترش می‌دهند. یکی از دانشمندان این‌گونه نظریه‌ها را افسانه‌پروری و خیال‌پردازی خوانده است. نمونه برجسته چنین دیدگاه‌هایی در زمینه تعلیم و تربیت «امیل» (۱۶) روسو است. هنوز هم از این قبیل نظریه‌های تربیت‌مداری وجود دارند که نظرگاه جان دیوئی (۱۷) مهمتر از همه آنهاست. او از تعلیم و تربیت کودکان در اجتماع سخن می‌گوید. نظر دیوئی بواسطه اصرار وی که کودک باید محور همه وسایل تربیتی پیرامون خود باشد. به‌بشترین وجهی نشان داده می‌شود. نظریه مورگان (۱۸) با چنین نگرش فردگرایی اجتماعی انطباق کامل دارد. اما از دیدگاه فلسفه علمی. هیچ تکامل فردی بطور جداگانه نمی‌تواند وجود داشته باشد. برعکس. این نظریه بر مشروط سازی اجتماعی تأکید دارد و ثابت می‌کند که فقط در اجتماع است که بشر می‌تواند امکان شکوفایی همه جانبه استعدادهای خود را بیابد.

در ارتباط با مطالب فوق. باید گفت که فلسفه علمی بین جمع-گرایی (۱۹) راستین و فرم جانشینی آن. که به داشتن آگاهی جمعی تقاضا می‌کند. تفاوت فاصل است. در دولتهای سوداگر چنین جانشینی‌هایی وجود دارند که آزادی را فقط برای افراد طبقه حاکمه و تازمانی که به این

طبقه تعلق دارند. می‌خواهند.

دانشمندان پندارگرا، می‌کوشند ابدۀ جمعی را از طریق خود-رهبری نوآموزان، همچون مدلی از تشکیلات دموکراتیک به صورت واقعیت نشان دهند و جمع‌گرایی ظاهری و جانشینی را بیافرینند. تعلیم و تربیت دیرنی که خواستار برگرداندن مدرسه به شکل سلولی از زندگی اجتماعی و مدنی است. نمونه بازی از سازمان آموزشی و تعلیم و تربیت است که بر جمع‌گرایی جانشینی بنیاد گذاشته شده است. در جمع‌گرایی راستین، وضع فرق می‌کند.

در جمع‌گرایی راستین افراد به‌عنوان افراد شرکت می‌جویند، نظام تعلیم و تربیت بساید بر بنیاد چنین جمع‌گرایی راستینی قرار گیرد. ظهور مربی بزرگی چون ماکس رنکو (۲۰) ضرورت تاریخی است. نه تصادف. او تعلیم و تربیت را بیاری جمع و برای جمع می‌خواهد. همانطور که گورکی گفته است: حکمت فعالیت‌های تربیتی وی، و نتایج درخشانی که با استفاده از روش‌های ویژه خود به آنها رسیده است. دارای ارزش و اعتبار جهانی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پانویسها

۱ - سر فرانسیس گالتن (Sir Francis Galton) از دانشمندانی است که برای تأثیر جبری عوامل زیستی در رشد و تکامل ذهن، فوق‌العاده اهمیت قابل شده است. همو بود که مفهوم بهبود نسل (Eugenics) را به وجود آورد و در کتاب «جستارهایی در باره‌ی ذهن بشر و تکامل آن» شیوه‌ی ایجاد نسل ممتاز را معرفی کرد. گالتن تشویق‌زاد ولد افرادی را که صفات «مطلوب» داشتند، و نیز جلوگیری از زاد و ولد اشخاصی را که دارای صفات «نامطلوب» بودند. برای ایجاد جامعه آرمانی که خودتصویر کرده بود. ضروری می‌دانست او حتی تعداد بچه‌ها را هم تعیین کرده بود. افرادی که در نظر گالتن دارای صفات نامطلوب بودند، به مهاجرت ترغیب می‌شدند و در صورت امتناع به تنایغ بقا محکوم می‌گشتند. نظام گالتن با توسل به تفاوت‌های فردی موروثی، ساخت طبقاتی عصر خودش را موجه جلوه می‌داد. براساسی جز با توسل به اصل تفاوت‌های فردی با اصطلاح موروثی، چگونه می‌شد. نابرابری‌های اجتماعی ناشی از اختلاف شدید طبقاتی را تفسیر و تبیین کرد؟

2- Abilities

3- Materialism

مانترالیسم از ماده Matter اشتقاق پیدا کرده و بشحوی که علوم می آموزد، ماده را اساس جهان بینی خود قرار داده و می گوید که تمام موجودات مشوع جهان، از اتم ثیدروژن که ساده ترین جزء عالم غیر آلی است گرفته تا انسان که عالی ترین و کامل ترین موجود عالم آلی است، همه و همه نمایشی هستند از اشکال بسیار گوناگون ماده، از مراحل بی شمار جریان تکاملی، از صور بی نهایت مختلف حرکت ماده... (جهان بینی مادی و جهان بینی ایده آلیستی، م.ح. کاوه ص ۱۲) باتوجه به این نکته که خصلت اصلی ماده حرکت آن است و جز در حرکت ماده وجود ندارد، مانترالیسم بر آن است که: ۱- آگاهی و شعور، نفس و روح ناشی از ماده است. ۲- ماده در خارج از ذهن وجود دارد و وجود آن به اعتبار ذهن نیست ۳- حرکت ماده تابع نظم و قوانینی است، و کار علم شناختن آن نظم و قوانین است.

4- Talents

5- Raphael (1483-1520) از هنرمندان بزرگ دوره نوزایی ایتالیاست.

6. Idealists

ایده آلیسم نام خود را از ایده گرفته و ایده را اساس تمام موجودات جهان قرار داده است. در نزد ایده آلیست عالم مادی با حقیقت ندارد و با حقیقت آن ناسازی از ایده می باشد. ایده آلیسم مانند مذهب غرق در عالم معنی و «وجود کبری» است، برای ایده آلیسم «مفولات» مجرد به منزله‌ی خالق محسوسات است و ذهن بشر مانند ناظم و واضع قوانین طبیعت نمودار می شود. طبیعت از نظر ایده آلیسم مخلوق عقل کل، «ایده‌ی مطلق» خدا، می باشد. (جهان بینی مادی و جهان بینی ایده آلیستی: م.ح. کاوه، ص ۱۲). مفهوم ایده، طی تحول اندیشه بشر، تغییر پیدا کرده اما خصلت کلی خود را حفظ کرده است. و آن این است که همواره در مقابل امر متحقق مادی قرار گرفته است. افلاطون اولین کسی بود که از ایده‌ها (مثل) در حکم اشیاء غیر مادی بیرون از ذهن و در عین حال

قابل ادراك سخن گفت. این است که او را پدر ایده آلیسم می دانند. ایده آلیسم در بر کلی و ماش به اوج خود می رسد. بر کلی می گوید: شما می گوئید اشیاء وجود دارند. زیرا واجد رنگ و بو و طعم هستند. بزرگ با کوچک. سبک با سنگینند. من به شما ثابت می کنم که این خواص در شی وجود ندارند بلکه در ذهن موجود است. (اصول مقامانی فلسفه. ص ۳۲-۳۱).

ایده آلیستما به این نتیجه می رسند که: ۱- روح خالق ماده است ۲- جهانی خارج از ذهن وجود نیست. ۳- تصورات ماست که شیء را خلق می نماید.

7- Metaphysics (مابعدالطبیعه، ما بعد الطبیعه، فلسفه اولی، متافیزیک)

برخی از فلاسفه ی بنیادگر مانند ارسطو متافیزیک را علم جوهر و مسایل فوق تجربی می دانستند. علمی که از ظواهر اعراض و علل ثانویه فراتر می رود و «علل اولیه» را کشف می نماید. بعدها این مفهوم مورد انتقاد شدید فیلسوفان واقع گرا قرار گرفت. چون از هیچ گونه پشتیبانی علمی برخوردار نبود و مقوله هایی را وارد زندگی انسان می کرد که عینیت نداشتند. البته هنوز هم به منزله پناهگاه بنیادگرایان مورد استفاده قرار می گیرد.

8- Carlyle, T. (1795-1881)

9- Stirner, M. (1806-1859)

10- Degeneration

11- Thesis

در اینجا منظور از نیز (برنامه ریزی) گزاره های است که ممکن است اثبات و یا تکلیف شود.

۱۲- Ape به معنای وسیع کلمه شریوع میسونی را شامل می شود. به معنای خاص نخستینهای (Primates) بزرگ حبشه و بی دم از خانواده

13- Pavlov, I. (1849-1936)

فیزیولوژیست و متفکر بزرگ شوروی که تحولی عظیم در نظریه‌های شناخت و آگاهی پدید آورد. او با الهام گرفتن از روند اندیشه‌های «بازتاب‌شناسی» و با اسلوبی دقیق و عینی نظر را به عمل پیوند داد. مفاهیمی مانند بازتاب مشروط و غیر مشروط از پاولف است. برای شناختن اهمیت کارهای وی، کتابهایی مانند «کارهای اساسی پاولف» - «پسوی روان‌شناسی و روان‌پزشکی علمی» خواننده شود.

14. Conditioned Reflex

15. Unconditioned reflex

امیل (Emile) «بازساله‌ای در تعلیم و تربیت» کتابی است از روسو (J.J. Rousseau 1712-1778) که در آن روسو طرح خود را در باب پرورش کودکان ارائه می‌دهد. طرحی که سخت‌پندار گرایانه است. او معتقد است که انسان طبیعی «ذاتاً» خوب است و کار تربیت باید پرورش و شکوفا ساختن استعدادهای نهفته و طبیعی در انسان باشد.

17- Dewey, J. (1859-1952)

جان دبویی مؤسس و اشاعه دهنده «ابزار گرایی» Instrumentalism شاخه‌ای از «مصلحت گرایی» Pragmatism است. پراگماتیسم «حقیقت را چیزی می‌داند که عملاً سودی در برداشته باشد». دکتر ارانی معتقد است که «این مکتب از تجاعی ترین شکل ایده آلیسم است و به منزله ایدئولوژی بورژوازی عصر امپریالیسم می‌باشد» [جهان بینی مادی و جهان بینی ایده آلیستی. م.ح. کاوه. ص ۱۷]. جان دبویی با اتکا به اصل «الاک حیقت» سود و توافق عملی است. نظام تربیتی خود را پی‌ریزی می‌کند. نظامی که بظاهر منطقی می‌نماید و شمه خصوصیات دموکراسی آمریکا را داراست. مثلاً این عبارت وی «اندیشه فردانعکاسی است از اندیشه اجتماع در فرد» ممکن است در بدایت امر درست بنظر رسد، اما اگر شکافته شود، تناقضی

عظیم در آن نهفته است. بهتر می بود گفته شود: «اندیشه‌ی فرد انعکاسی است از روابط (یا مناسبات) اجتماعی در فرد». و بعد می خوانیم که «چون بشر دارای نفسی اجتماعی و تأثیر پذیر است. پس تعلیم و تربیت عملی طبیعی و الزامی است. که نظام تربیتی دیوبندی را به واقع گرایان سوق می دهد. اما بلافاصله می گوید: «مصائب کنونی عالم نتیجه آموزش و پرورش ناعنجار و عدم تناسبی است که میان دانایی و توانایی بشر وجود دارد» [مقدمه‌ی دکتر آریان پور بر «دموکراسی و آموزش پرورش»، ص ۱۱].

در این جمله زیر ساخت تفکر وی فاش می شود. تفکری که هیچگاه از چهارچوب ذهنیت دموکراسی قرن نوزدهم، فراتر نرفته است. می بینیم که مبانی اقتصادی و روابط تولیدی در نظام وی نقشی ندارند. دیوبندی اعتقاد دارد که تنها با آموزش، و بدون توسل به قدرت و زور، می توان دموکراسی را بدست آورد. این توجه بیش از حد به تعلیم و تربیت او را در محدوده کاملاً جزئی قرار می دهد و خشک اندیشی وی را بر ملا می سازد. چرا که می دانیم قدرت فی حد نفسه بدنیت بلکه علت اعمال و نحوه‌ی کاربرد آن است که نقش و هدف آن را تعیین می نماید. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه به نوشته‌ها، ترجمه‌ها و مقدمه‌های دکتر آریان پور مراجعه شود.

18- Morgan, T. H. (1886-1945)
Mendel, G. H. (1822, 1884)

مورگان و مندل، هر دو در زمینه وراثت کار کرده و نظریاتی ارائه داده‌اند. برای مطالعه بیشتر در حد اطلاعات غیر تخصصی، به کتاب «ژنتیک» اثر دکتر محمود بهزاد مراجعه شود.

19. Collectivity

20- Makarenko, A. S. (1888-1939)

ماکارنکو مربی و اندیشمند شوروی است که دارای نظریات عملی و واقع گرایانه در خصوص تعلیم و تربیت و روانشناسی کودک می باشد.

از جمله کتاب‌های وی «تربیت فرزندان» است که به فارسی برگردانده شده است.

درباره او نوشته‌اند: «خاطره‌هایی که از ماکارنکو در ذهنها باقی مانده، او را در هیأت مرد عمل، مبارزه و تفکر ترسیم می‌نماید. گورکی یک بار به او گفته است: «تو مرد شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای هستی. کشور ما، به انسانهایی مانند تو، سخت نیازمند است.»

